

نکته‌هایی از معارف حسینی

دکتر حسین خنیفر

باز روایت؛ قالیچه سوخته چقدر بها دارد؟

مردی بدهکار شده بود، یک قالیچه توی خونه داشت،
گوشه قالیچه سوخته شده بود.

مجبور بود، همون رو برداشت و برد بازار برای فروش.
هر مغازه‌ای که می‌رفت، می‌گفتن:

این قالیچه اگه سالم بود ۵۰۰ تومن می‌ارزید، اما حالا که سوخته ما ۱۰۰ یا ۱۵۰ تومن
بیشتر نمی‌خریم.

گرفتار بود و به امید این که بیشتر بخرن، از این مغازه به اون مغازه می‌رفت.
داخل یکی از مغازه‌ها، حاج جواد فرشچی مغازه‌دار، از منصرف‌های بازار و از
ارادتمندان اهل بیت علیهم‌السلام پرسید:

قالی خوبیه، چرا قالی به این خوبی رو مراقبت نکردید؟
گفت: منزلمون روضه داشتیم، منقل چایی روی این قالی بود، زغال‌ها ریخت و قالی
سوخت.

حاج جواد یک تکونی به خودش داد: گفتی تو روضه سوخته؟

گفت: بله.

گفت:

این آگه سالم بود ۵۰۰ تومن می‌ارزید، اما حالا که برای ارباب من سوخته، من یک میلیون ازت می‌خرم.

قالیچه رو خرید و روی میزش پهن کرد و تا آخر عمرش روی قسمت سوخته قالیچه که به اندازه کف دست بود گل محمدی پرپر می‌کرد و دوستان صمیمی و همکارانش همه به نیت تبرک، یک پراز گل را برداشته تو چایی شون می‌ریختند.

اون قالیچه توی روضه سوخته، قیمت گرفت، کاش دلمون تو روضه‌ها بسوزه.

یا امام حسین علیه السلام دل سوخته رو چند می‌خری؟!

آنان که به سوی حرم دوست روانند پیغام دل خسته ما را برسانند

رفتند و سلامت برسند، آه چه می‌شد؟ ما را عقب قافله خود بکشانند

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

